

# شورش های عربی در حال حاضر کجا قرار دارند؟

برگردان ناهید جعفرپور



آنچه که امید دهنده است، ساختار تثبیت شده مقاومت در مصر و تونس است. ساختاری که تا بحال همواره نشان داده است که هیچگاه آماده پذیرش ظلم و ستم بدون مقاومت نیست.

جنبش های اعتراضی در کجا خطاهای استراتژیکی تعیین کننده ای مرتکب شدند؟ آیا تمایل سقوط به جنگ داخلی وجود دارد و یا این روند می تواند متوقف شود؟

نویسنده الجزایری بوعلام صنصال با رمانش به نام " دهکده آلمانی ها " توجه ها را بخود برانگیخت. وی بعنوان اولین نویسنده عرب حمایت های نظامی نازی های پنهان در الجزایر را به سازمان آزادی بخش " لیبراسیون ناسیونال " ( جبهه آزادی بخش ملی) که در سال های ۵۰ در جنگ ضد استعماری بر علیه فرانسه مبارزه می کردند، به نقد می کشد.

صنصال از جنگ آزادی بخش الجزایر بنام جنگ داخلی یاد می کند و می نویسد: ما بر علیه ارتش استعماری و بر علیه خودمان مبارزه می کردیم. جبهه آزادیبخش ملی بر علیه مصالی ها، عربها بر علیه بربرها و مذهبی ها بر علیه لائیک ها. این چنین ما نفرت آینده و انشعابات آینده را بر روی سرزمینمان تدارک دیدیم (...). مبارزات آزادیبخش برای ما ارمغان آزادی بهمراه نیابرد و اصولا هیچگونه آزادی به همراه نداشت. ۲

صنصال بعنوان نویسنده هنوز در الجزایر زندگی می کند. کتاب هایش ممنوع می باشند. وی در سخنرانش بهنگام دریافت جایزه صلح از بنگاه نشر آلمان در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۱۱ می گوید:

" ما همه این را لمس می کنیم که از زمان انقلاب مخملی در تونس در جهان چیزی تغییر نموده است. مسئله ای که در جهان عرب جنجال آفرین و پیچیده و وحشت زده غیر ممکن بنظر می رسد، بالاخره اتفاق افتاد: (...). آنچه در حال حاضر در حال وقوع است بنظر من تنها شکار

دیکتاتورهای کوته فکر و ناشنوا نیست و به جهان عرب هم خلاصه نمی شود بلکه یک تغییر جهانی است و یک انقلاب کوپرنیکی است؛ انسانها خواهان دمکراسی واقعی بدون مرز و بدون تابو هستند. انسانها دیکتاتورها را رد می کنند، افراط گرایان را رد می کنند، دیکته بازارها را رد می کنند، آنها سیاست بدبینانه و متکبرانه و بزدلانه کنونی جهان را رد می کنند. آنها حاضر به تن دادن به سرنوشت نیستند هر چند که حرف آخر را بزند. آنها در مقابل هر گونه آلودگی بر می خیزند. همه جا در جهان انسانهای خشمگین در مقابل هر آنچه به انسان و این کره خاکی آسیب می رساند به اعتراض بر می خیزند." ۳

صنصال در سخنرانی خود یاد از خانمی مبارز الجزایری دارنده جایزه صلح می کند که تنها زنان الجزایر را نمایندگی نمی کند بلکه برای تمامی زنان انقلاب عربی ایستادگی می نماید و می گوید: در سال ۲۰۰۰ در اینجا از هموطن من خانم آسیه جبار قدر دانی شد. زنی که برای جا افتادن این تفکر بسیار تلاش نموده است که در کشورهای مسلمان عربی ما هم زنان موجودی آزاد هستند و بدون آزادی کامل زنان عدالت در جهان برقرار نخواهد شد بلکه تنها جهانی مریض، مضحک و نفرت انگیز خواهد بود که مردن زنان را درک نمی کند.

من در اینجا اعلام می کنم که مبارزه آسیه اکنون بار داده است؛ مقاومت واقعی و مبارزه ای سرشار از عزت و غرور در الجزایر (و کشورهای عربی - خانم توکل کارمن را بیاد بیاوریم) اکنون عمدتاً از سوی زنان در حال انجام است." ۴

### لیبی و آسیب های جنگ ساحل

آغاز جنگ داخلی در لیبی را می توان در رابطه با فروش تسلیحات، منافع نفتی غرب و بمباران های ناتو دانست. باید بخاطر آورد که بیشماری از انقلابی های لیبی همان آغاز روبروی تمامی دوربین ها گفتند که آنها از اسلحه هایشان تنها برای سرنگونی قذافی استفاده می کنند و بعد از سرنگونی این اسلحه ها را تحویل خواهند داد و بدنبال مشاغل مورد علاقه خود خواهند رفت.

بله یک چنین توهمات غالباً در آغاز هر مبارزه مسلحانه ای وجود دارد. قیام کاملاً مشروع بر علیه رژیم خونین قذافی بعد از سرنگونی قذافی به هیچ وجه به تحویل اسلحه از سوی شبه نظامیان نیانجامید. لیبی امروز کشوری تحت کنترل اسلحه است. کشوری که وضعیت سیاسی

داخلی اش با در حدود ۶۰ مقرر شکنجه تحت کنترل بخشا شبه نظامیان با هم دشمن است. ۵

مدتهاست که جنگ داخلی لیبی به خارج از لیبی صادر می شود و آتش جنگی را در منطقه ای که همواره با درد و رنج همراه بوده است را می گستراند.

در مالی در تاریخ ۲۲ مارس ۲۰۱۲ یک کودتا توسط شبه نظامیان جوان بر علیه آ. ت. توره که بصورت نیمه دمکراتیک انتخاب شده بود انجام پذیرفت. آنها وی را متهم کرده بودند که او فعالانه بر علیه شبه نظامیان شمال مالی عمل نکرده بود. این کودتا باعث بلند شدن شبه نظامیان جوانی شد که از سال ۲۰۱۱ به خود جبهه آزادی بخش ملی ازواد نام نهاده اند و هوادار انصار الدین سلفی که با القاعده مغرب رابطه تنگاتنگ و همکاری دارد، می باشند و به همراه القاعده شبه نظامیان شمال را کنترل می کنند.

این درگیری بخشا ریشه تاریخی دارد. شمال اشغال شده مالی در واقع ۶۵٪ مساحت کل مالی را دارد ( دو برابر مساحت آلمان) با ۱۴ میلیون سکنه. انسانهایی که در حال حاضر ۲۰۰۰۰۰ نفرشان متواری شده اند.

کودتاگران جنوب مالی حاضر نبودند که قدرت را به یک دولت غیر نظامی جدید بدهند که با ائتلاف با کشورهای همسایه تلاش دارد به شبه نظامیان جنوب و سلفی های شمال که کمی بعد از پیرویشان با هم درگیر شدند و از هم جدا گشتند، بصورت نظامی حمله نماید.

جالب اینجاست که بدانیم چه کسانی به همراه سلفی های جنوب مبارزه می کنند. در تازه ترین گزارش لوموند دیپلماتیک آمده است که: جبهه آزادیبخش ملی در حدود ۱۰۰۰ جنگجو دارد که ۴۰۰ نفر آنها از وابستگان اسبق ارتش (...) قذافی هستند". ۶

این روند بی معنی هم چنان ادامه دارد؛ اینکه سلفی ها شبه نظامیان که بخش بزرگی از آنان از خود لیبی بودند را به کمک القاعده طوری سامان می دادند که مثلا افراد سابق ارتش قذافی و شبه نظامی های اسلامی ضد قذافی دوش به دوش هم در شمال مالی بر علیه ارتش مالی می جنگیدند.

یک گزارشگر از لوموند دیپلماتیک به نقل از منابع خبری غرب آفریقا و خبرگزاری رسمی موریتانی " ال مالی" خبر از هسته های دیگر جنگجویان شبه نظامی که در لیبی شکل گرفته اند، می دهد. وی می

گوید این هسته های جنگجو ذخیره هستند. در تاریخ ۲۳ مارس جنگجویان القاعده یک رژه نظامی خویش را فیلم برداری کردند. این فیلم بزبان عربی در یوتوپ پخش گردید. در این فیلم نشان داده می شود که یک کاروان از سی کامیون مسلح به موشک انداز (...). با سه ماشین آتش نشانی در آخر که روی یکی از آنها نوشته شده است " شبه نظامیان سیرته تروگ". ۷

## یکبار مسلح - همیشه مسلح

مبارزه مسلحانه بسرعت تمامی جبهه های گذشته را در بر می گیرد و شیوه های مبارزاتی قدیمی ثانوی می شوند. کسی که یکبار مسلحانه جنگید بعد از پیروزی برای خود اهداف جدیدتری برای مسلح جنگیدن پیدا می کند. یک چنین حرکاتی را در همان آغاز می توان جلوییش را گرفت زیرا بعد از مدتی که این قطار براه افتاد دیگر نمی توان کاری کرد.

در پرتو جنگ داخلی جدید در مالی در منطقه حتی از سوی سیاستمداران از افغانی شدن منطقه ساحل صحبت می شود و از تشدید اخیر جنگ بعنوان " خسارات ناخواسته بحران لیبی" نام برده می شود. ۸

منطقه ساحل بر روی بشکه ای از باروت قرار گرفته است که اکنون توسط شبه نظامیان و تسلیحات لیبی منفجر می شود: جنگ داخلی در مالی، جنگ برای نفت میان سودان و جنوب مستقل سودان، جنگ داخلی در سومالی، یک " جنبش برای عدالت" معنی این چیست؟ - در حال حاضر در دارفور مجددا مبارزه مسلحانه آغاز می شود. یک گروه چریکی اسلامی سال هاست در شمال نیجریه بر علیه استخراج اورانیوم برای شرکت های نواستعماری اتمی فرانسوی با ارتش نیجریه مبارزه می کند. همین اخیرا ادريس دبی رئیس جمهور چاد که به تازگی به ارتش فرانسه کمک نمود تا قدرت خویش را حفظ نماید ۹، خواهان یک اتحاد بزرگ میان جبهه آزادیبخش ملی و القاعده و چریک های صحرای غربی و دولت خودش شد.

در همین حال خشکسالی و قحطی و گرسنگی ساحل را محاصره نموده است و بین ۵ تا ۷ میلیون سکنه آن فوراً نیاز به مراقبت های پزشکی دارند.

## سوریه: تغییر استراتژی از دست رفته

زمانی که در هفته اول بعد از ۱۵ مارس ۲۰۱۱ مردم غالب شهرهای سوریه قدرتمند و گسترده و مسالمت آمیز به خیابان ها گسیل شدند،

هنوز وحدت غیر فرقه ای جنبش اعتراضی بر جای بود.

هیثم منان رئیس کمیته عربی برای حقوق بشر در ۱۵ آوریل ۲۰۱۱ توانست از ۱۶ شهر شرکت کننده در اعتراضات از جمله دمشق و حلب گزارش بدهد وی گفت: شورش در حال پیشرفت خوبی است. در یک ریتم مناسب و عاقلانه. همه فرقه ها در کنار هم قرار دارند، اقلیت ها، مسیحی ها همچون علوی ها ( اقلیت شیعه طرفدار اسد هستند) عربها و همچنین کردها". ۱۰

پشتکار و شجاعت تظاهر کنندگان صلح جو سوریه برای ماه ها باور نکردنی بود.

جنبش اعتراضی در سوریه در هر حال این موفقیت را بدست آورد که امروز حکومت خاندان اسد و سازمان های اطلاعاتی اش در کل سوریه منفور و انکار شوند. تمامی چپ های آلمانی، روزنامه مارکسیستی دنیای جوان و آن ضد امپریالیست هائی که هنوز همواره اعتقاد دارند که اسد سوریه به نوعی درسنگر ضد امپریالیستی سوسیالیستی قرار دارد و باید از او حمایت نمود باید توجه کنند که رئیس دولتی که ماه ها مردم خودش را با وحشیانه ترین شیوه های نظامی سرکوب می کند، هر گونه اعتبار ایدئولوژیکی خویش را از دست داده است.

رونی برومن روشنفکر فرانسوی و فعال " پزشکان بدون مرز" در پایان نوامبر ۲۰۱۱ بعد از سرنگونی قذافی در لیبی از شورش مسالمت آمیز مردم سوریه بعنوان الگویی در مقابل لیبی تعریف نمود. ۱۱

امروز با این وجود همچنان مبارزات مسالمت آمیز و کمیته مسالمت آمیز هماهنگی محلی و کمیته عمومی انقلاب سوریه در کشور وجود دارند که از سوی کمپین حقوق بشر پشتیبانی می شوند. اما این به آن معنی نیست که همه کمیته ها مسالمت آمیزند. کمیته " اتخاذ یک انقلاب" در وب سایت خود نشانی از مبارزه مسالمت آمیز ندارد با این حال اطلاعات دقیق در این باره را مشکل می توان بدست آورد. ۱۲

در طول توسعه مقاومت خواست مقاومت مسلحانه حتی متاسفانه در ابتدا از سوی کمیته های پایه مطرح گشت. شورای ملی سوریه (اس ان س) که خارج از سوریه تشکیل شده بود در آغاز مارس ۲۰۱۲ خواهان مداخله نظامی غرب گشت. در حال حاضر این ( اس ان س) به استراتژی غرب و آمریکا متکی است و از این حرکت می کنند که این شدنی است که اسد را با ارتش ۳۳۰۰۰۰ نفری با یک اکسیون مستقیم ناتو سرنگون نمود. آنها به این لحاظ با عربستان سعودی که منافی هم دارد و مهمترین

کشوری است که تسلیحات در اختیار آنها می‌گذارد، ملاقات می‌نمایند.

آلن‌گرش از لوموند دیپلماتیک می‌نویسد که شورای ملی سوریه در این فاصله بعنوان جریانی زیر نفوذ اسلامی‌ها با برخی از چهره‌های لیبرال در رابطه است. ۱۴

وی همچنین می‌نویسد "رژیم سوریه موفق شده است وحدت فرا فرقه‌ای روزهای آغاز اعتراضات را دچار انشعاب نماید. اپوزیسیون نفوذ خویش را بر علوی‌ها و کردها از دست داده است."

اپوزیسیون‌آنطور که نشان می‌دهد از این ناتوان است که تضمین‌های لازم و جدی برای آینده عرضه نماید. او اکنون در مقابل این واقعیت قرار گرفته است که تنها پشتیبانانش از وی روی برگردانده‌اند. کردها که جزء اولین‌ها بودند در تظاهرات‌ها (... ) اکنون وحشت‌زده از اینکه اپوزیسیون از شناخت حق آنها خودداری می‌کند، کنار کشیده‌اند". ۱۵

جالب اینجاست که آلن‌گرش برای کمیته ملی برای تغییرات دمکراتیک (ان‌اس‌اس) به ارزیابی دیگری از کریستینه شوایتزر در پاسخ خود به نقد ماریشکا واگنر می‌رسد: کمیته ملی سوریه از جانب بسیاری از فعالانش به این متهم می‌شود که علوی‌ها و ترکمن‌ها را به حاشیه می‌رانند. بخصوص از سوی کمیته ملی برای تغییرات دمکراتیک که در مقابل فرقه‌ای شدن و نظامی شدن جنبش ایستادگی می‌کند. همچنین در مقابل مداخلات نظامی از خارج. ۱۶

بر سر ارزیابی اپوزیسیون مبنی بر اینکه مبارزه جنگجویان کمیته ملی سوریه بر علیه ارتش سوریه از هیچ شانس برخوردار نیست، اختلاف نظر وجود دارد. در گزارش اخیر دیده بان حقوق بشر آنها متهم شده‌اند که حملات با انگیزه مذهبی به علویان و شیعیان نموده‌اند. ۱۷

به لحاظ فرقه‌ای شدن جنبش و پیش برد مقاومت مسلحانه، بسیاری از اقلیت‌های درون جنبش مجدداً به آغوش ارتش رژیم روی خواهند آورد و خود را آنجا سازماندهی می‌کنند.

بنظر ما مشکل در اینجا دینامیک جنبش اعتراضی بود. جنبشی که در سوریه بیش از ۹ ماه از سال در خیابانهای سوریه به اعتراض پرداخت و آنهم زمانی که پلیس و سازمانهای امنیتی و ارتش بی‌شرمانه به مردم تیراندازی نمودند. این جنبش از پایه ۱۰۰٪ مسالمت‌آمیز بود. یک چنین حملات مسلحانه‌ی علنی آنها برای مدت‌های طولانی در هر حال

دیر یا زود جایی برای تفکر در ذهن کسانی که آسیب دیده اند باز می‌کند. کسانی که به هیچ وجه استراتژی آکسیون‌های بدون خشونت را نمی‌شناسند. این مسئله واقعیت تلخ عدم وجود یک استراتژی برای خیزش مسالمت‌آمیز و از سوی دیگر اشکال دیگر آکسیون‌هایی را که کمتر برای پایه جنبش آسیب‌پذیری دارد نشان می‌دهد. مانند زمان گاندی و یا مقاومت بدون خشونت آنهم طی سال‌ها در برمه. در واقع منظور مخلوطی از استراتژی‌های بایکوت، اعتصاب و یا اشغال کارخانه‌ها، خرابکاری در ابزار تولید بخصوص در کارخانه‌های تولید تسلیحات و یا کارزارهای "نه" به بوروکرات‌های دولتی و محافظ نظامی و... است. در این رابطه می‌بایست بجای استفاده از استراتژی مقابله نظامی در مقابل ارتش، آلترناتیو تمرکز گزینش شود. بنا براین از آنجا که از یک برهه زمانی مشخص بکارگیری یک چنین استراتژی‌های اقدام هدفمند و آگاهانه وجود نداشت آن قوت مبارزه مسالمت‌آمیزی که در آغاز اعتراضات خود بخودی مردم سوریه وجود داشت کم‌کم به تضعیف خودآگاهی برای مبارزه بدون خشونت منجر گشت؛ تجربه اعتراضات عمومی در خیابان‌های باز و همواره گوشت‌جلوی گلوله شدن این خواست را بخصوص در بسیاری از کمیته‌های پایه تقویت نمود که مسلح شدن جنبش را خواستار بشوند. این چنین بود که امروز سوریه در جنگی داخلی فرو رفته است که بسختی راه خلاصی برای آن وجود دارد.

### **تونس و مصر: کم بها دادن به فرهنگ اسلامی**

تونس و مصر سنتا خاستگاه شورش‌های عربی بوده اند که در آنها امروز هم هنوز فرو رفتن به جنگ داخلی نسبتا در سطحی بسیار نازل قرار دارد. با این وجود بخصوص در مصر تمایلاتی مشاهده می‌شوند که یک چنین مسیری را نشان می‌دهند.

در آن روزهایی که مردم شورش عمومی مسالمت‌آمیز برگزار می‌نمودند، احزاب اسلامی در هر دو کشور آگاهانه پشت صحنه قرار داشتند. این چنین بود که بسیاری از ناظرین این امید و برداشت غلط را در سر پروراندند که اسلامی‌ها در این شورش‌ها نقشی نفوذی بازی نمی‌کنند.

مردمی که شورش مسالمت‌آمیز را انجام دادند را نمی‌توان با مجموعه مردمی هم‌سان نمود که در انتخابات بعدی تصویر دیگری را نشان دادند. این کاملاً ساده لوحی است که این طور فکر کنیم - دقیقاً این همان تصویری است که رهبریت رسانه‌های غربی خواهان آن هستند ۱۸ - . مانند وائل غنیم که مدیر گوگل است و یکی از نمایندگان نشان دادن چنین شورشی بود.

تنها ۱۰ تا ۲۰ درصد خانه های تونس و مصر امروز دارای اینترنت هستند. دقیقا شورش های آغازین توانستند پیروز شوند زیرا که بخش بزرگی از مردم که از آموزش خوب برخوردار نبودند و وضعیت مالی خوبی نداشتند به خیابان ها و میدانها گسیل شدند - اولاً اینها در تونس و مصر تهیدست بودند و دوماً بدون ابزار اینترنتی و سوماً کم و بیش وابسته به فرهنگ اسلامی و سنت های آن.

پیش زمینه های فرهنگ اسلامی بخش بزرگی از مردم در این شورش ها را نمی توان نادیده گرفت - امیدی که رسانه های غربی و بسیاری از چپ های ضد آلمانی و یا بهتر بگوئیم بسیاری از کمونیست ها بر روی آن توافق داشتند که این شورش ها از طریق رودرروئی طولانی مدت با فرهنگ اسلامی و سنت اسلامی به اثبات رسیده است، بطوری غم انگیز با انتخاباتی که انجام پذیرفت از بین رفت.

در مصر اختلافات از نوامبر ۲۰۱۱ تعیین کننده بود. دومین اشغال میدان تحریر که از سوی بسیاری سریعاً بعنوان " انقلاب دوم " مهر خورد با یک تحصن از سوی حدود ۶۰۰ تظاهرکننده در ۱۹ نوامبر آغاز شد. در این دوره تحصن های گسترده همواره انجام پذیرفت و تا اواسط دسامبر ۲۰۱۱ همچنان ادامه داشت. ۱۹ و طبق گزارش خبرگزاری ها درگیری های خونین در میدان تحریر و یکی از خیابان های اطراف آن از سوی جوانان مسلح انجام پذیرفت که قربانی هائی بدنبال داشت.

درون این جنبش انگیزه رهایی بخشی وجود داشت که برای اولین بار علناً در برابر ارتشی که بعد از سرنگونی مبارک قدرت را عملاً در دست گرفته بود، جبهه گرفته و به ارتش حمله نمود. بدین طریق بود که باور عمومی و یا همدردی و یا حداقل بی طرفی نسبت به ارتش شکسته شد. این باور وجود داشت که می توان درون ارتش انشعاب به وجود آورد همانطور که در اولین شورش در میدان تحریر انجام پذیرفت اما ارتش و سربازان هم در مقابل حملات میلیتانت جوانان ایستادند و بروشنی طرف مقابل جوانان قرار گرفتند و به همراه پلیس به جمعیت حمله مسلحانه نمودند. از ترس یک جنگ داخلی در این انقلاب " دوم " جای حمایت گسترده توده ها چون انقلاب " اول " خالی بود. در تاریخ ۱ فوریه ۲۰۱۲ پلیس و ارتش از جوانان مبارز میدان تحریر که غالباً طرفداران کلوپ فوتبال الاهلی قاهره ( در حدود ۵۰۰۰ عضو ) بودند انتقام گرفتند و که در نتیجه در استادیوم فوتبال پورت سعید حدود ۷۰ نفر که غالباً طرفداران تیم فوتبال الاهلی بودند کشته شدند. جنبش میدان تحریر با این شکست نظامی تا به امروز نتوانسته است دو باره نیروی خود را باز یابد. ۲۰



در این فاصله احزاب اسلامی ( اخوان المسلمین و سلفی ها ) بر مجلس  
مؤسسان در مصر نفوذ پیدا کردند ( ۶ زن و ۶ مسیحی از ۱۰۰ عضو ) ،  
نیروهای چپ و نیروهای سکولار به خاطر اعتراض مجلس را ترک کردند. ۲۱

اخوان المسلمین بر خلاف تعهدات قبلی بر این مبنی که از پیشنهاد  
نامزد برای ریاست جمهوری صرف نظر خواهند نمود، همین اخیرا اعلام  
نمودند که آنها نامزدهای خود را معرفی خواهند نمود.

آنها بدین طریق ادعای تسلط بر زندگی سیاسی مصر را دارند و در این  
صورت است که اقلیت ها و زنان تحت کنترل آنها قرار خواهند گرفت و  
همچنین تقسیم قدرت گسترده با ارتش زیر سؤال خواهد رفت و این  
مسئله باعث درگیری های بیشتری خواهد شد. ۲۲

آنچه که امید دهنده است، ساختار تثبیت شده مقاومت در مصر و تونس  
است. ساختاری که تا بحال همواره نشان داده است که هیچگاه آماده  
پذیرش ظلم و ستم بدون مقاومت نیست.

باید قبول کرد که توانائی مقاومت و اعتراض تنها درون اقشار مرفه  
و مدرن و سکولار این دو کشور وجود ندارد بلکه آنچه که برای قدرت  
موثر آنها تعیین کننده است، توانائی همبستگی پایه جامعه برای  
درگیری های آینده است که امیدواریم مسالمت آمیز باشد.

منبع: Graswurzelrevolution

---

Boualem Sansal: Das Dorf des Deutschen oder Das Tagebuch (۱)  
der Brüder Schiller, Merlin Verlag, Gifkendorf ۲۰۰۹

Boualem Sansal: "Das Prinzip des Friedens", Rede in der (۲)  
Frankfurter Paulskirche, ۱۶.۱۰.۲۰۱۱, abgedruckt u.a. in der  
FAZ, ۱۷.۱۰.۲۰۱۱, S. ۹

Ebenda (۳)

Ebenda (۴)

Vgl. Erklärung von Médécins Sans Frontières zu den (۵)  
Folterungen in Miliz-Lagern, vgl. Spiegel-Online, ۲۶.۱.۲۰۱۲

Vgl. Philippe Leymarie: "Comment le Sahel est devenue une (۶)

poudrière”, in: Le Monde diplomatique, frz. Ausgabe, April  
2012, S. 8

Isabelle Mandraud: “La riposte s’organise contre une (V)  
partition du Mali”, in: Le Monde, 17.4.2012, S. 9

In diesem Falle zwar vom Präsidenten des Niger, die (8)  
Bezeichnung halte ich dennoch für zutreffend; vgl. Philippe  
Leymarie, a.a.O., S. 9

Vgl. Bernhard Schmid: Frankreich in Afrika, Unrast, (9)  
Münster 2011, S. 238ff. Leider kaum etwas in dem Buch über den  
Niger und den Uranabbau durch Areva sowie den dadurch  
bedingten Bürgerkrieg

Haytham Manna, zit. n. Jean-Pierre Perrin: “La Syrie dans (10)  
la spirale de la révolte”, in: Libération, 16./17.4.2011, S. 7

Rony Brauman in einem Streitgespräch in: Le Monde, (11)  
20.11.2011, S. 24f.; siehe dazu auch: “Libyen: Wem sollen wir  
.glauben?”, in: GWR 360, Januar 2012, S. 9f

Siehe die Selbstdarstellung der LCCS auf: (12)  
[www.lccsyrria.org/about](http://www.lccsyrria.org/about)

vgl. Jürgen Wagner: “Syrien: Die Militarisierung der (13)  
Proteste und die strategische Unvernunft der Gewalt”, IMI (14)

Alain Gresh: “Onde de choc syrienne dans une région en  
ébullition”, in: Le Monde diplomatique, frz. Ausgabe, April  
2012, S. 11

Informationsstelle Militarisierung), 20.3.2012)

Alain Gresh, a.a.O., S. 10 (15)

Ebenda (16)

Siehe den Text “Bürgerkriegspatenschaft?” von (17)  
.Marischka/Wagner in dieser GWR

Vgl. bereits die Skepsis gegenüber Wael Ghoneim als (18)

Revolutionsheld in: "Zweifelhafte Helden der Revolution", in:  
GWR 307, März 2011

Vgl. Johannes Stern: "Ägyptisches Militär greift (19)  
friedliche Demonstranten brutal an", in:  
[www.wsws.org/de/2011/dez2011/egyp-d21.shtml](http://www.wsws.org/de/2011/dez2011/egyp-d21.shtml)

Siehe dazu z.B.: "Die roten Teufel", in: Spiegel, Nr. (20)  
.8/2012, S. 104ff

Marwan Chahine: "Egypte: les islamistes écriront la (21)  
Constitution", in: Libération, 29.3.2012, S. 8

Marwan Chahine: "En Egypte, les Frères rompent le pacte", (22)  
in: Libération, 2.4.2012, S. 8